

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه کوثر

استاد ضرابی ۱۳۹۹

جلسه چهارم

آیه شریفه : «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲)» - پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن (۲)»

عنوان: گنجی که باید سر باز کند

در آیه قبل درباره گنج نهفته در نهاد انسان به نام کوثر صحبت کردیم که جان علوی یا فطرت الهی و یا بذر وجود انسان کامل خوانده می شود. و گفته شد چنانچه این گنج سر باز کند و استخراج شود ثروت نامنتهایی از کرامت ها و شرافت ها بدست می آید که دنیا قادر به نشان دادن عظمت آن نیست و تنها خداوند در عرصه لایتناهی آخرت می تواند بصورت چشمه کوثر و کوثر وجود اولیاء و ملائکه اش به انسان بنمایاند .

صد هزاران خانه شاید ساختن

خانه بر کن کز عقیق این یمن

پس ز هدم خانه مندیش و مایست

گنج زیر خانه است و چاره نیست

بلکه بینی در خراب خانه گنج

مرگ جو باشی ولی نز عجز و رنج

می زنی، بر خانه بی اندیشه ای

پس به دست خویش گیری تیشه ای

که حجاب گنج بینی خانه را مانع صد خرمن این يك دانه را
حایل گنج و حجاب این خانه بود مانع صد خرمن این يك دانه بود

عنوان: ابزار استخراج گنج نهفته در درون

در آیه شریفه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» خداوند راز و رمز استخراج این گنج سر به مهر را شرح نموده است.

حرف «فاء» در «فصل»، این ارتباط و ضرورت را که بر آیه قبل متفرع است، نشان می‌دهد. از آنجا که قید «لِرَبِّكَ» درباره «فصل»، قید برای «وانحر» هم هست، نقش دو عنصر نماز و قربانی را، بازگو می‌کند که یکی انسان را تا اوج آسمان معنویت بالا می‌برد و دیگری بندها را از پای انسان می‌گسلد مانند دو بال پرندگان در حال پرواز. خداوند در آیه شریفه: «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَائٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ» - آیا مرغان هوا را نمی‌نگرند که بالای سرشان پر گشوده، گاه بی‌حرکت و گاه با حرکت بال پرواز می‌کنند؟ کسی جز خدای مهربان آنها را (در فضا) نگاه نمی‌دارد، که او به احوال همه موجودات کاملاً بیناست. «(ملک/ ۱۹)

شکل خاص باز و بسته کردن بالهای پرندگان کاملاً نشان می‌دهد که چگونه باید دو نیرو ایجاد شود یک نیروی بالا رونده و یک نیروی خنثی کننده جاذبه زمین.

اگر خواهی که گردی مرغ پرواز جهان جیفه پیش کرکس انداز
هر که را مشغول دنیا کرده اند جان او محبوب مولی کرده اند

عنوان: بدن از خاک و روح از ملکوت

از آنجا که بدن انسان از خاک است و به خاک باز می‌گردد و روح انسان از عالم ملکوت است و به موطن اصلی خود ملکوت باز می‌گردد، در مکتب همه ادیان

آسمانی بویژه اسلام عبادات برای تربیت روح انسان و آماده‌سازی او برای ورود به عالم قدس و تحصیل زاد و توشه این سفر روحی آورده شده است .

«الصلاة معراج المؤمن» بآل و پر مرغ روح انسان را قوت می‌بخشد و قربانی نمودن؛ درهای زندان و قفس تن را می‌گشاید و روح را از زندان تعلقات دنیا آزاد کرده، به پرواز در می‌آورد.

خَنَكْ آنروز که پرواز کنم تا بر دوست به هوای سر کویش پروبالی بزنم

عنوان: اول چیزی که سؤال می‌شود

الإمام الباقر عليه السلام: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا - نخستین چیزی که بنده برای آن حسابرسی می‌شود نماز است ؛ اگر پذیرفته شد سایر اعمالش هم پذیرفته می‌شود.» (الكافي : ۴/۲۶۸/۳)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) : «أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنْ قُبِلَتْ نُظِرَ فِي غَيْرِهَا، وَ إِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنْظَرْ فِي عَمَلِهِ بَشْيَءٍ - در روز قیامت نخستین عمل آدمی که به آن رسیدگی می‌شود ، نماز است ؛ اگر پذیرفته شد، به سایر اعمال رسیدگی می‌شود و اگر پذیرفته نشد، به هیچ يك از اعمال دیگر او رسیدگی نمی‌شود.» (بحار الأنوار : ۵۳/۲۲۷/۸۲)

روز محشر که جانگداز بود اولین پرسش از نماز بود

پیامبر (ص): «من صلى صلوه لا يذكر فيها شيئا من امر الدنيا، لا يسئل الله شيئا، الا اعطاه - کسی که نماز می‌خواند و در حال نماز هیچ چیز از امور دنیایی به یادش نیاید (فقط خداوند در نظرش باشد)، در این صورت هرچیزی از خداوند بخواهد، به او عطا می‌کند.» (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۶۵)

امام صادق (ع): «إذا قام العبد الى الصلاة اقبل الله - عز و جل - عليه بوجهه فلا يزال مقبلا عليه حتى يلتفت ثلاث مرات فاذا التفت ثلاث مرات اعرض عنه - وقتی

بنده به نماز ایستاد خداوند متعال به او توجه می کند و توجهش را از او قطع نمی کند تا موقعی که سه مرتبه از یاد خدا غافل گردد، در این هنگام خداوند سبحان نیز از او اعراض خواهد کرد.» (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۱)

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد به آب دیده و خون جگر طهارت کرد
فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

عنوان: خلاصی از مهلکه های خطر در دنیا و آخرت

«اقم الصلوة لذكرى - نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی» (طه/ ۱۴)

«ألا بذكر الله تطمئن القلوب - آگاه باشید یاد خدا مایه اطمینان است» (رعد/ ۲۸)

گذشته از آثار نماز در پیمودن منازل کمال معنوی و رها شدن از خوف و خطر رسیدن به آرامش در دنیا ، رها شدن انسان و نجات یافتن او از هول انگیزترین صحنه های عذاب پس از مرگ با ذکر و نماز ممکن می شود .

«الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ - : اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي ؛ فَإِنَّهُ عِصْمَةٌ أُمْرِي ، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي ؛ فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَإِلَيْهَا مِنْ مُجَاوَرَةِ اللَّئَامِ مَقَرِّي - امام زين العابدين عليه السلام - در دعای روز سه شنبه - : بارخدايا! دینم را برایم درست گردان ؛ چرا که آن ، نگهبان امور من است ، و آخرتم را برایم درست گردان ؛ چرا که آن ، سرای ماندن من و گریزگاه من از همسایگی با فرومایگان است.» (بحار الأنوار : ج ۹۰ ص ۱۸۷ ح ۲۵) و نیز امام زين العابدين (عليه السلام) فرمود: «مَعَاشِرَ أَصْحَابِي ، الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ وَالْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ - ای گروه یاران من! دنیا سرای گذر است و آخرت ، سرای ماندن پس ، از گذرگاه خویش برای اقامتگاهتان توشه بگیرید.» (الأمالي للصدوق : ص ۲۸۹ ح ۳۲۱)

عنوان: معانی دیگر «وأنحر»

درباره «وانحر» معنای دیگری هم شده است: «عن أبي جعفر (ع) قال: قلت له «فصلّ لرَبِّك و انحر» قال: النحر الإعتدال في القيام أن يقيم صلبه و نحره - حَرِيز از مردی نقل کرده که گفت: به امام باقر (ع) گفتم: [معنای] «فصلّ لرَبِّك و انحر» [چیست؟] فرمود: «نحر» اعتدال در حال قیام است؛ [به این که] ستون فقرات و سینه خود را راست نگه دارد.» و نیز فرمودند: «هُوَ رَفْعُ يَدَيْكَ حِذَاءَ وَجْهِكَ - آن (نحر) عبارت است از بالا بردن دستهایت تا محاذی صورتت». (وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۷، ابواب تکبيرة الاحرام، باب ۹، ح ۴)

هر یک از معانی بیان شده ابعادی از حقیقت نحر نمودن را نشان می‌دهد و سر اینکه امام در هر باری باب جدیدی از معنای آن را می‌گشاید برای تفهیم همین محدود نبودن مصادیق معنای نحر است.

نتیجه اینست که هر کس نتواند در مقابل شهوات کمر راست کند یا نتواند توجهش را از غیر خدا برگیرد به گونه‌ای که در تکبیرش خداوند را از همه چیز و هم کس برتر ببیند، در آخرت راست قامت محشور نمی‌شود.

ابوبصیر از دوستان روشن دل امام باقر علیه السلام در یکی از سال‌ها در مراسم حج به همراه آن امام طواف می‌کرد. او می‌گوید: «از زیادی صداها و تکبیرهای حجاج به شگفت آمدم و به امام عرضه داشتم: "ما اکثر الحجيج و اکثر الضجيج - چه قدر حاجی زیاد شده است و سر و صداها چه قدر بیشتر شده." در این موقع امام علیه السلام فرمود: "یا ابا بصیر! ما اقل الحجيج و اکثر الضجيج - ای ابابصیر! چه قدر حاجی کم است اما سر و صدا زیاد است" آیا می‌خواهی راستی گفته ام را ثابت کنم و خودت با چشم خویش حقیقت گفتار مرا ببینی؟ عرض کردم: چه طور ممکن است ای مولای من؟! فرمود: "جلوتر بیا!" من به امام باقر علیه السلام نزدیک شدم. دست مبارك را بر چشم‌هایم کشید و چند جمله دعا کرد. در این حال من بینایی خود را باز یافتم. امام باقر علیه السلام فرمود: "ای ابا بصیر! حالا به حاجیان طواف کننده بنگر. هنگامی که به جمعیت نگاه کردم، بسیاری از مردم

را به صورت میمون و خوک‌هایی دیدم که در گرد کعبه در حالت حرکت بودند و افراد با ایمان و حاجیان حقیقی در میان آنان مانند نوری در ظلمات می‌درخشیدند. عرض کردم: "ای مولای من! درست فرمودی و حقیقت گفتار شما بر من ثابت شد،

ما اقل الحجيج و اکثر الضجيج- چه قدر حاجی کم و سر و صدا زیاد است." آن گاه حضرت لب‌های مبارك را به حرکت در آورد و با خواندن دعائی، چشم‌های من به حالت اول برگشت.» (بحار، ج ۴۶، ص ۲۶۱)

عنوان: تقوا پلى بر روى جهنم نفس

جهنمی که همه از آن می‌گذریم نفس است که همه به آن مبتلا هستیم اما می‌شود بر روی آن پلى بست و از آن عبور کرد و آن تقوا است. «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ - هرگز گوشت هایشان و خون هایشان به خدا نمی‌رسد، بلکه تقوای شما به او می‌رسد» (حج/۳۷) نبی مکرم اسلام در حدیثی فرمودند:

«اسْتَفْرُهُوا ضَحَايَاكُمْ فَإِنَّهَا مَطَايَاكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ - قربانی‌های خود را ارزشمند بدانید. آنها اسبابی هستند برای عبور شما از صراط.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۳)

چون کلمه نحر به معنای سر بریدن شتر به آن نحو خاص است، (همچنان که کلمه ذبح به معنای سر بریدن سایر حیوانات است). شاید به خاطر این است که، در میان قربانی‌ها، شتر از اهمیت بیشتری برخوردار بود و مسلمانان نخستین، علاقه بسیار به آن داشتند و قربانی کردن شتر بدون ایثار و گذشت ممکن نبود.

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: «وَاذْبَحْ حَنْجَرَةَ الْهَوَى وَ الطَّمَعِ عِنْدَ الذَّبِيحَةِ - و ذبح کن حنجره هوای نفس و طمع را به هنگام قربانی کردن.» (مصابح الشریعه، ص ۴۹)

...گفتمش چون می‌کشتی گوسفند از پی اسیر و یتیم

قرب حق دیدی اول و کردی	قتل و قربان نفس دون لیئم؟
گفت از این باب هر چه گفتی تو	من ندانسته ام صحیح و سقیم
گفت ای دوست پس نکردی حج	نشدی در مقام محو مقیم